

روشی برای ارتقای درس «تاریخ تحلیلی تفسیر شیعه»

محمد مهدی احسانی فر^۱

چکیده

تاریخ تفسیر، عنوانی است برای یکی از درس‌های مقطع سطح سه حوزه و کارشناسی ارشد دانشگاه در برخی از رشته‌های مرتبط با قرآن کریم. این ماده درسی گاهی با گرایش شیعه، گاهی با گرایش اهل سنت و گاهی به صورت تطبیقی، تدریس می‌شود. برقراری ارتباط میان این درس با مباحث حدیثی به‌ویژه در رشته‌های توأمان قرآنی و حدیثی، یکی از دغدغه‌های همیشگی سرفصل‌نویسان و مجریان است. از سوی دیگر برخی از استادان که تجربه تدریس چندباره این درس را دارند، از ابزارهایی برای پربارشدن علمی مباحث، کاربردی شدن آن و افزایش جذابیت کلاس بهره می‌گیرند. با افزودن یا تغییر برخی از سرفصل‌ها، می‌توان بهره علمی این درس را فزونی داده و نشاط دانش‌پژوهان را تأمین کرد؛ همچنین ارتباط بین مطالب تفسیری با مباحث حدیثی را برقرار نمود. تاکنون طرحی که ارتباط بین این دو حوزه را ذیل درس «تاریخ تفسیر» برقرار کرده باشد، منتشر نشده و نگاشته کنونی می‌تواند چشم‌اندازی نو را بگشاید. همچنین این نگاشته با پشتوانه تجربی، سرفصل‌هایی را ذیل عنوان «تاریخ تفسیر» افزوده که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

روش تفسیر، روایات تفسیری، تاریخ حدیث، سرفصل‌نگاری درسی، علوم قرآن و حدیث

۱. ehsanyfar@gmail.com

پیش‌گفتار

مقطع سطح سه یا کارشناسی ارشد، بازه‌ای برای کسب تجربه پژوهشی در کنار یادگیری آموزشی است. مواد درسی، سرفصل‌ها، توزیع نمره و روش تدریس در این دوره، به‌گونه‌ای است که دانش‌پژوهان را با فضای تحقیق آشنا کرده و راه‌های جدیدی را به رویشان بگشاید. تجربه کنفرانس، تحقیق کلاسی، مطالعه پیشنهادی، گفت و گوی علمی و دیگر روش‌ها همگی برای رشد دادن دانش‌پژوهان در مسیر یافته‌های علمی خودشان و جهت‌دادن در به‌کارگیری توانمندی دانشی آنهاست.

برخی از رشته‌های مرتبط با قرآن مانند «علوم قرآن و حدیث» با گرایش‌های مختلف، درسی را با عنوان «تاریخ تفسیر» طراحی کرده و تدریس می‌کنند.^۲ در این درس، دانش‌پژوهان با آغاز تفسیر و دوره‌های مختلف آن آشنا می‌شوند. برخی از دانش‌پژوهان، مطالب نظری این درس را خسته‌کننده و گاهی بی‌بهره دانسته و یا یادگیری این مطالب را متوقف بر کلاس درس نمی‌بینند. شاید سرفصل‌های ارائه‌شده در این ماده و یا اجرای آن در برخی از موارد، موجب چنین قضاوتی شده باشد.

به عنوان نمونه به یکی از سرفصل‌های این درس در دانشگاهی مشهور^۳ اشاره می‌شود:

هدف: آشنایی با کیفیت علم تفسیر و تدوین و تطوّر آن و اهمّ کتب تفسیری که تاکنون نگارش شده است.

سرفصل درس: معنی تفسیر و تأویل و ترجمه و فرق میان تفسیر و تأویل، تفسیر در عصر نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، تفسیر در عصر صحابه و منابع آنها در تفسیر، تفسیر در عصر تابعین و کیفیت تفسیر آنها، تفسیر در عصر معصومین علیهم‌السلام.

منابع اصلی: «تفسیر و مفسران» آیت الله معرفت، «التفسیر و المفسرون» محمدحسین ذهبی

۲. در برخی از رشته‌ها یا دانشگاه‌ها، این ماده درسی در مقطع کارشناسی، تدریس می‌شود. موضوع طرح حاضر، رشته‌ها و دانشگاه‌هایی است که این درس را در مقطع کارشناسی ارشد، قرار داده‌اند.
۳. نام دانشگاه نزد نویسنده، محفوظ است.

منابع فرعی: مقاله اول از کتاب «سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو» دکتر سید محمد باقر حجّتی، «قانون تفسیر» کمالی دزفولی، «مناهج التفسیر» مصطفی صادق جوینی، «الذریعة» حاج شیخ آغا بزرگ تهرانی.

در این سرفصل، هدف روشنی تبیین نشده و «کیفیت علم تفسیر» که تعبیری مبهم و مجمل است، به عنوان مهم‌ترین هدف درس، بیان گشته است. در شاخه‌های سرفصل، صحابه و تابعان در کنار معصومان علیهم‌السلام قرار گرفته و برای آنها عصری مستقل، تصوّر شده است؛ عنوانی که می‌تواند ذهنیتی غلط را به دانشجویان منتقل کند. از سوی دیگر، مقدمات تفسیر که ریشه در وضعیت علمی و اجتماعی هر دوره دارد، نادیده گرفته شده و سیری منسجم برای تفسیر، ترسیم نشده است. دانشجو پس از گذراندن این ماده درسی، متوجه ارتباط خطّی یا سینوسی ادوار مختلف نشده و با عوامل بالا و پایین رفتن نقاط سینوسی آشنا نمی‌شود. او نمی‌تواند الگوی تفسیر شیعی یا سنی را ترسیم کند و از تحلیل متغیرها ناتوان خواهد بود. همه اشکالات موجب کم‌نشاطی کلاس درس خواهد شد.

اگر نشاط درسی و بهره آن برای دانش‌پژوه، تأمین نشود، شرکت صوری وی در کلاس، مفید نبوده و نتیجه‌ای در پی نداشته و یا نتیجه‌ای اندک دارد. طرح کنونی تلاش کرده تا اشکالات پیش‌گفته را رفع کند و با طراحی نو، بسیاری از مباحث تاریخ حدیث را پشتیبانی نموده و زمینه تحلیل درباره چرایی شکل‌گیری مکاتب مختلف تفسیری را ایجاد کند. همچنین با ساختار نوین این درس می‌توان سیری را برای تاریخ حدیث در محور روایات تفسیری تصویر کرد و امکان آینده‌پژوهی و نیازسنجی آن را به وجود آورد. در رشته‌های توأمان قرآنی و حدیثی، ایجاد ارتباط بین این دو حوزه، می‌تواند بهره آموزشی را افزایش داده و به غنای پژوهش‌های آینده منتهی شود. درس «تاریخ تفسیر» می‌تواند پیوند همیشگی قرآن و سنت را نشان دهد.

طرح حاضر با هدف برقراری ارتباط میان دو حوزه قرآن و حدیث ذیل درس «تاریخ تفسیر» تهیه شده و در طول شانزده سال تجربه تدریس و پژوهش در این عرصه، تکمیل گشته است. برای نگارش این نوشتار بیش از ۲۰ جزوه از سرفصل‌های دروس هم‌نام یا مرتبط در ایران و

کشورهای دیگر دیده شده است.^۴ از فواید این طرح، می‌توان به رونق کلاس‌های درسی و افزایش بهره‌وری آن اشاره کرد.

این نوشتار در سه بخش، ابتدا عنوانی نو را پیشنهاد کرده و به توضیح آن می‌پردازد؛ سپس روش و محورها را تبیین می‌کند و آنگاه نمونه‌ای از سرفصل‌ها را عرضه می‌نماید.

الف) شناخت عنوان

«تاریخ تفسیر» گاهی با پسوند «شیعه» یا «اهل سنت» یا «تطبیقی» ارائه می‌شود. ارائه کلی و بدون پسوند این موضوع، سردرگمی دانش‌پژوهان را در پی داشته و هیچ‌گاه نمی‌توان بخش قابل توجهی از مطالب را به آنان منتقل کرد و یا آنها را در مدیریت علمی کلاس، به صورت واقعی و بهره‌دار، شریک نمود. همچنین اختلاط مطالب و ناتوانی شرکت‌کنندگان را در تفکیک آن به دنبال دارد. از این رو افزودن پسوندها، ضروری بوده و در نتیجه، شش واحد درسی تولید می‌شود. موضوع این نوشتار، تنها «تاریخ تفسیر شیعه» است؛ هرچند طرح حاضر قابل الگوگیری در «تاریخ تفسیر اهل سنت» و «تاریخ تفسیر تطبیقی» نیز هست.

مطالب درس تاریخ تفسیر، گاهی کم‌جاذبه و خسته‌کننده به چشم می‌آید. می‌توان با افزودن قید «تحلیلی» و با پرداختن به تحلیل‌های تاریخی - تفسیری، بر عمق و جذابیت کلاس افزود. فایده دیگر تحلیلی کردن بحث، امکان الگوگیری دانش‌پژوهان از روش آن و امکان پیاده‌سازی در موارد مشابه است. اگر دانشجو بتواند پس از درس، فضای دوره‌های مختلف تفسیری را در طول تاریخ، درک کند، امکان تفکر یافته و با فکر کردن می‌تواند به مشکلات و قوت‌های آن ادوار برسد؛ آنگاه از قوت‌ها الگوسازی کرده، بهره‌برداری نماید و برای غلبه بر ضعف‌ها، راه‌کار

۴. ن. ک: مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، ۱۳۷۹ش، وزارت علوم؛ مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد علوم قرآنی در دو رشته تفسیر قرآن مجید و علوم قرآن، ۱۳۸۰ش، وزارت علوم؛ مشخصات کلی برنامه درسی و سرفصل دروس رشته علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۴ش، دانشگاه تهران؛ رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور؛ رشته تفسیر قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ آشنایی با رشته علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية؛ سرفصل و عناوین دروس کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی؛ بازمهندسی رشته علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۳ش، مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور؛ برنامه درسی رشته علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۵ش، کمیته تحول در مطالعات قرآن و حدیث وزارت علوم؛ جامعه القرآن الکریم و العلوم الاسلامیة سودان؛ کلیة القرآن الکریم بطنطا؛ جامعه القرآن و العلوم الاکادمیة یمن؛ الجامعة الاسلامیة بالمدينة المنورة؛ کلیة الدراسات القرآنیة جامعة بابل؛ جامعة السمریة للعلوم الاسلامیة لیبی؛ جامعة الزیتونة تونس؛ الجامعة الاسلامیة العالمیة بمالیزیا؛ الجامعة الاسلامیة غزه و ...

بسازد. این شکل تدریس، به دانشجو قوت نسبی حلّ مسأله داده و می‌تواند برخی گره‌های تاریخی را در زمینه‌های «تاریخ محض» و نیز «تاریخ میان رشته‌ای» مانند «تاریخ حدیث» و «تاریخ فقه» باز کند.

مخلوط کردن فضای تفسیری شیعه و اهل سنت در آغاز کار و پیش از برگزاری دوره یادگیری جداگانه تاریخ تفسیر شیعه و اهل سنت، امکان تحلیل را از دانشجو گرفته و بهره‌های پیش گفته را مخدوش می‌کند. در ادامه، هر یک از واژگان موجود در عنوان مقاله شرح می‌شود تا گستره دقیق مباحث، روشن گردد.

۱. تاریخ

«تاریخ» سیر رویدادهاست و به آن چه که به ترتیب زمان اتفاق، تدوین یا گفته شود، هم می‌گویند.^۵ با توجه به این معنا، در بیان تاریخ تفسیر، رعایت ترتیب زمانی، ضروری است. بنابراین مباحث این درس از مقدمات شکل‌گیری تفسیر آغاز شده و برای روشن‌سازی فضای بحث، برخی از موضوعات مانند وضعیت علمی و اجتماعی دوره پیش از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، ذهنیت مردم نسبت به کتاب‌های آسمانی پیشین و چگونگی شرح آن، دست کم در یک جلسه تبیین می‌شود. این روش، مخاطب را با سیر رویداد تفسیر آشنا کرده و به او توان آینده‌پژوهی تفسیر می‌دهد؛ چراکه وی گام به گام تفسیر را بر روی برداری تاریخی دیده و با رشد و سقوط نمودار آن آشناست؛ از این رو می‌تواند ادامه نمودار را بر پایه گذشته آن ترسیم کند. هنگامی که محور تاریخ، معصومان علیهم‌السلام باشند، به طور طبیعی مطالب درسی به سوی حدیث با معنای عامش - یعنی گفتار، رفتار و تقریر معصوم - و به ویژه رفتار و تقریر خواهد رفت.

۲. تحلیل

این واژه در علوم سیاسی کاربرد بیشتری داشته و به طور خلاصه «ریشه‌یابی، حاضریابی و آینده‌یابی» را گویند.^۶ در ریشه‌یابی، زمینه‌ها بررسی می‌شود؛ در حاضریابی، وضعیت کنونی به بحث گذاشته شده و در آینده‌یابی، آتیه پیش‌بینی می‌شود. در بررسی زمینه‌ها و وضعیت کنونی،

۵. ن. کد روش‌های پژوهش در تاریخ، ص ۲۳.

۶. ن. کد روش تحلیل سیاسی، ص ۳.

کسان تأثیرگذار و نقش آنها و جریان‌های مرتبط مورد توجه قرار می‌گیرد. در پیش‌بینی آینده، بین مطالبی که در ریشه‌یابی و حاضریابی به دست آمده با آینده، ارتباط منطقی برقرار می‌شود. منطقی‌ترین ارتباط در این‌جا، اقتضای طبیعت تاریخ است. به بیان دیگر بایسته است که تحلیل تاریخی با در نظر گرفتن گذشته و حال، توان پیش‌بینی آینده را داشته باشد. مثلاً دوره پیش از بعثت، بررسی شده و سپس زمانه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بحث می‌شود و با توجه به داده‌های این دو دوره، آینده یعنی دوره پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پیش‌بینی می‌شود. این پیش‌بینی باید به دور از واقعیت‌های تاریخی و بر اساس طبیعت تاریخ و منطق آن باشد. اگر آن‌چه در این روش به دست آمد با واقعیات، منطبق و یا بسیار نزدیک بود، نشان از دقت تحلیل و همه‌جانبه بودن آن است. در غیر این صورت، باید پارامترهای مخفی یا مغفول تأثیرگذار را کشف کرد. در این شیوه، تحلیل‌گر مجبور می‌شود برای به دست آوردن عوامل مخفی یا مغفول، پژوهش کند؛ یعنی به جنبه‌هایی از تاریخ توجه کند که دیگران توجه نکرده‌اند تا بتواند جورچین متغیرهای مستقل، وابسته و پیوسته را تکمیل کند. بهره دیگر این جداسازی، افزایش قدرت تحلیل دانش‌پژوه است و به او در الگوسازی پارامترها کمک می‌کند. این روش به او می‌آموزد که چگونه با تمرین «تاریخ تحلیلی گذشته» نسبت به آینده تفسیر در روزگار کنونی «تاریخ تحلیلی آینده‌پژوهانه» ارائه کند. تحلیل زمانه هر یک از معصومان علیهم‌السلام و دیدن تفسیر در زمینه و صفحه حضور ایشان، الگوگیری از روش اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه در گستره رفتار و تقریر را آسان می‌سازد و تفکر متناسب با عصر غیبت را به دانش‌پژوه می‌آموزد.

۳. تفسیر

این واژه در ساده‌ترین معنایش، به مفهوم توضیح آیات قرآن است.^۷ در بحث تاریخ تفسیر، سیر تاریخی «توضیح آیات قرآن» و عوامل دخیل در این سیر - نه عوامل دخیل در این توضیح - بررسی می‌شود. عوامل دخیل، شامل روحیات افراد، زمینه‌های ذهنی آنان، توانایی-هایشان، فرهنگ جامعه، مکاتب جدید و ... است. با این روش، دانش‌پژوهان تأثیر فرهنگ، فضای اطراف و داشته‌های پیشینی را بر فهم و شرح آیات کریمه یاد گرفته و می‌توانند ریشه-های تفسیر را بازیابی کنند. این شیوه، تحلیل مکاتب تفسیری را برای آنان آسان کرده و راه

۷. ن. کذ‌البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۲.

«جامعه‌شناسی تفسیر» را برویشان می‌گشاید. از دیگر بهره‌های این روش، امکان الگوسازی تفسیری بر پایه نیازهای روز علمی و اجتماعی است. از آن جا که در این جامعه‌شناسی، پای محوریت معصومان علیهم‌السلام در میان است، حدیث و رابطه آن با قرآن و چگونگی بهره‌گیری جامعه در مقایسه با معصومان علیهم‌السلام از قرآن کریم، نقش تعیین‌کننده در الگوسازی خواهد داشت.

۴. شیعه

مرز شیعه و سنی در دوره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و پس از آن تا عصر امام باقر علیه‌السلام، مانند امروز نبود. از عصر امام باقر علیه‌السلام، مرزها تاحدودی نمایان شد. بیش از پرداختن به تاریخ تحلیلی تفسیر شیعه در دوره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تا امام باقر علیه‌السلام نیاز به ملاک‌هایی برای تعریف شیعه است؛ ملاک‌هایی که پس از این دوره، اندکی متفاوت خواهد شد.

پس از رحلت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله افرادی که ارتباط بیشتری با خانه امیر مؤمنان داشته، ایشان را مرجع علمی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی می‌دانستند، با حکومت‌های وقت، مخالف بوده و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام را محور اصلی عقیده خویش قرار داده بودند، در محدوده شیعه قرار می‌گیرند. در برابر کسانی که با دستگاه خلافت، ارتباط بیشتری داشته، با حکومت وقت، همراه بودند، دوست‌دار خلفا و اطرافیان‌شان و حتی مخالف اهل بیت علیهم‌السلام بودند، در رده اهل سنت جای داده می‌شوند. شناخت کسان این دو گروه، کار سختی نیست. افرادی مانند سلمان، مقداد، ابوذر و عمار در حوزه شیعه قرار گرفته و ابوبکر، عمر، عثمان، مروان، عمروعاص، معاویه، ابوسفیان و مانند اینها در حوزه اهل سنت. بسیاری از اصحاب و مردم عادی، در این دو گروه نمی‌گنجند. آنها نشانی‌های گذشته را نداشته و در زمره شیعیان روشن یا سنیان روشن نیستند. بیشتر جمعیت آن روز، از این گروه بودند. به همین دلیل، مرز میان شیعه و سنی، روشن نبود. نکته کاربردی در بحث حاضر آن است که عموم مردم، نقشی در تاریخ تفسیر نداشتند تا ضرورتی به قراردادن آنها در یک گروه باشد. تنها اصحاب و تابعانی باقی می‌مانند که در این دوران، به تفسیر قرآن علاقه نشان داده‌اند. نسبت به این گروه می‌توان با بررسی بیشتر، تمایل آنها را به یک سمت کشف کرد. با این روش، ابن عباس در گروه شیعه قرار می‌گیرد.

برخی از کسان دیگر در هر دو حوزه شیعه و سنی قابل بررسی‌اند. نسبت به این گروه می‌توان تنها به نقش شیعی آنها پرداخت؛ ابن مسعود از این قبیل است. کسان مشترک را نمی‌توان در هر دو حوزه شیعه و سنی بررسی کرد؛ زیرا موضوع درس، تنها تفسیر شیعه است. مطرح کردن مفسران مشترک در حوزه شیعی، موجب گردآوری آگاهی‌ها و تحلیل‌ها در یک جا شده، امکان تصویرسازی را آسان و تحلیل را قوی‌تر می‌کند. بنابراین ابتدا دسته‌بندی سه‌گانه‌ای از مفسران شیعی پیش از دوره امام باقر علیه‌السلام ارائه می‌شود. در این دسته‌بندی، شیعیان روشن و شناخته‌شده، شیعیان ملحق و کسانی که به هر دو حوزه تفسیری شیعه و سنی تمایل داشتند، سه دسته را تشکیل می‌دهند. چه‌بسا پس از این دسته‌بندی و ارائه تحلیل، خود دانش‌پژوهان، برخی از کسان را در یکی از حوزه‌ها، جای داده و برای آن ملاک‌هایی برشمارند.

یکی دیگر از ملاک‌های جداسازی که در کنار ملاک‌های پیشین، دسته‌بندی و بازشناسی تفسیر شیعی را آسان می‌کند، میزان توجه به فرمایش اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر است. در برابر، توجه به سخنان متفرقه و گفتارهایی که با سخن اهل بیت علیهم‌السلام همسان و همسو نیست، نشانه‌ای بر تفسیر سنی است. نسبت‌دادن یا ندادن یک سخن به اهل بیت علیهم‌السلام هرچند دارای اهمیت است ولی با توجه به فضای خفقان آن روز، بسیاری از دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام کمتر می‌توانستند، تفسیری را به ایشان نسبت دهند.^۸ از این رو هم‌سویی و هم‌سانی با تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند ملاک بهتری باشد.^۹ در برابر، برخی دیگر از مفسران، قول اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان صحابی، نه به عنوان اهل بیت، می‌آورند. این گروه در بین اهل سنت، جای می‌گیرند. گاهی برخی از اینان از ترس متهم‌نشدن به همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام سخنان ایشان را در بین مجموعه‌ای از حرف‌های پراکنده، جای می‌دادند. جداسازی اینها از یکدیگر، پس از به‌دست‌آوردن برآیند تطبیقی ملاک‌ها، امکان دارد.

یکی دیگر از ملاک‌های محتوایی برای جداسازی تفاسیر شیعه از سنی، آوردن اسرئیلیات مخالف شوون پیامبران علیهم‌السلام و داستان‌سرایی‌های افسانه‌ای است. همه اخبار رسیده از کتاب‌ها و امت‌های پیشین، نادرست نیست بلکه بخشی از آن، بافتنی‌های افسانه‌سرایان است

۸. ن. کنه تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۱۲۴.

۹. ن. کنه الهدایة القرآنیة، ج ۱، ص ۴۰.

که تشخیص آن ملاک‌های خاصی همچون شناخت راویان، شناخت داستان‌های مجعول و ... دارد. این قبیل از مطالب در تفاسیر اهل سنت، زیاد دیده می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که هدف درس حاضر، پرداختن به ویژگی‌های تفسیر شیعه و سنی نیست؛ بلکه این ویژگی‌ها پیش از آغاز درس برای جداسازی تفاسیر از یکدیگر و تنها توسط استاد، تطبیق و مصداق‌یابی می‌شود. در مجموع، برآیند ملاک‌های گذشته، لزوم یا عدم لزوم پرداختن به یک موضوع یا مفسر را در حوزه تفسیر شیعی نشان خواهد داد.

ب) روش و محورها

دانش‌پژوهان پیش از آغاز کلاس‌های «تاریخ تحلیلی تفسیر شیعه» نیازمند گذراندن مباحث دیگری همچون «آشنایی با منابع تفسیری شیعه» هستند. همچنین افزون بر روش و کارهای پیش‌گفته، آماده‌سازی مقدمات تدریس و در نظرگرفتن مسیر آن، موفقیت آموزشی را افزون می‌کند.

۱. روش

برخی از عوامل موفقیت در آموزش، عبارت است از: مطالعه کافی، آماده‌سازی و تنظیم مطالب، اندیشیدن درباره روش مؤثر آموزشی و آماده‌سازی ابزار لازم.^{۱۰} درس «تاریخ تحلیلی تفسیر شیعه» نیز نیازمند عواملی برای رسیدن به موفقیت آموزشی است.^{۱۱} «روش تدریس» عهده‌دار پرداختن به این عوامل است.

۱/۱. هدفمند کردن شرکت در کلاس

جایگاه موضوع «تاریخ تحلیلی تفسیر شیعه» برای دانش‌پژوهان روشن نبوده و نیازمند تبیین است. برخی از پرسش‌هایی که دانش‌پژوهان به دنبال پاسخ آن هستند عبارت است از: ارتباط این درس با درس‌های دیگر چیست؟ بهره مطالب این درس کجا روشن می‌شود؟ اگر دانش‌پژوه، تاریخ تحلیلی تفسیر شیعه را نداند دچار چه وضعی خواهد شد؟ و اگر بداند، چه توانمندی‌ای خواهد داشت؟ تاریخ تفسیر، چه مشکلی را از او حل می‌کند؟ نقطه پیوند این درس

۱۰. ن. که مهارت‌های آموزشی و پرورشی، ص ۱۳۴.

۱۱. ن. که مقاله نقد مبانی کلان در برنامه‌ریزی درسی رشته علوم قرآن و حدیث.

با حدیث شیعه کجاست؟ این‌ها پرسش‌هایی است که دانستن پاسخ آن، انگیزه حضور و فعالیت در کلاس و پیرامون درس را افزایش داده و موجب می‌شود که دانش‌پژوه به صورت هدفمند، این ماده را دنبال کند.

۲/۱. آماده‌سازی تحلیل‌های تاریخی - تفسیری

الگوگیری دانش‌پژوهان از روش بحث و امکان پیاده‌سازی در موارد مشابه، نیازمند آماده‌سازی تحلیل‌های تاریخی - تفسیری است. گردآوری همه مطالب مورد نیاز برای این درس از منابع متعدّد، ارزش‌گذاری گزاره‌ها، جداسازی گزاره‌های قابل ارائه، چینش تاریخی گزاره‌ها، تحلیل گزاره‌ها با در نظر گرفتن مطالب قابل ارائه و غیر قابل ارائه و بازنویسی مجموعه مطالب، اصلی‌ترین فعالیت استاد، پیش از تدریس این ماده است. فعالیت یادشده، زمان‌برترین بخش کار است. در تدریس‌های پسین، یافتن مطالب دیگر و ارزش‌گذاری و جای‌گزینی یا جای‌گذاری آن در بین مطالب پیشین، موجب ارتقای تحلیل‌ها خواهد شد.

برای ارائه منطقی این درس، تسلط استاد بر تاریخ حدیث شیعه و اهل سنت و آشنایی کافی با منابع حدیثی، کلامی، فقهی، اخلاقی، تاریخی و تراجم پیشینی و پسینی، ضروری است. همچنین برای تعمیق مطالب این درس، آشنایی استاد با «روش تحلیل سیاسی»، «منطق و طبیعت تاریخ» (در مجموعه مباحث «علم تاریخ» یا «مبانی تاریخ») و «فلسفه علم» بسیار مفید است.

۳/۱. جذّاب‌سازی کلاس

جذّابیت جلسات درسی را می‌توان با پیوستگی مباحث تأمین کرد. ویژگی درس‌های پیوسته آن است که بخش پیشینی، بی‌نیاز از بخش پسینی نبوده و همین، موجب هیجان علمی مخاطب و انگیزه او برای پیگیری بحث می‌شود. همچنین در بازه مباحث پیوسته و به‌ویژه در آغاز آن، گره‌های گوناگونی ایجاد می‌شود که در ادامه، یکی‌یکی باز شده و در یکی دو جلسه پایانی، گره اصلی گشوده می‌شود. این روش نیازمند سناریونویسی استاد برای هر جلسه و اجرای دقیق آن است. آشنایی با مباحث «داستان‌نویسی» و «فیلم‌نامه‌نگاری» برای کسب مهارت سناریونویسی، مفید خواهد بود.

۴/۱. زمینه‌سازی برای اندیشه

دادن زمینه فکر کردن به دانش‌پژوهان، زمینه رشد آنان را فراهم کرده و کلاس را پُر بار می‌کند. تحلیلی‌بودن مباحث، خودبه‌خود، اندیشه‌ها را به حرکت وامی‌دارد. مشخص کردن مقاطعی از مطالب برای اندیشیدن دانش‌پژوهان، یکی دیگر از راه‌های ایجاد انس میان آنان و مطالب درسی است. این روش را می‌توان از نخستین جلسه آغاز کرد و با پرسش از تصویر ذهنی مخاطبان نسبت به عنوان کلاس، ذهن آنان را جست‌وجوگر نمود. در هر جلسه درسی با دادن فرصت‌های سه‌دقیقه‌ای به دانش‌پژوهان برای رسیدن به نتایج جزئی، ذهن آنان برای جست‌وجوی نتیجه کلی آماده می‌شود. هر جلسه می‌تواند با سه فرصت سه‌دقیقه‌ای همراه باشد.

۵/۱. تمرین و تحلیل

تبیین گذشته اثرگذار، زمینه فهم دوره پس از آن را فراهم می‌کند و تاریخ را به صورت علت و معلولی در اختیار دانش‌پژوهان می‌گذارد. ادامه این روند، مخاطبان را با آینده آشنا کرده و پیش از آن که روی دادی بر پهنه تفسیر رخ دهد، حس آینده‌پژوهی دانش‌پژوه او را در شناخت مسیر درست، یاری خواهد کرد. این شناخت، موجب انگیزه بیشتر وی شده و توانایی‌های او را در راستای نیازهای آینده، جهت می‌دهد. از این رو تمرین تحلیل در کلاس درس می‌تواند اشکالات روشی مخاطبان را رفع کرده و آنها را صاحب تجربه نماید. کنفرانس کلاسی، یکی از فرصت‌هایی است که دانش‌پژوهان می‌توانند در آن یافته‌ها و تحلیل‌های خویش را عرضه کنند. عنوان‌دهی دقیق کنفرانس‌ها از سوی استاد، نظارت بر داده‌پژوهی، داده‌چینی و تحلیل و نتیجه‌گیری از داده‌ها، بهترین کمک به دانش‌پژوه است. اگر در پایان جلسه‌های درسی، دست کم بخشی از مخاطبان، توان پیش‌بینی آینده تفسیر شیعی را با در نظر گرفتن گذشته و حال آن داشته باشند، تدریس، موفق بوده است.

دانش‌پژوهان نیازمند یادگیری راه یافتن عوامل مؤثر بر روی داده‌های تفسیری‌اند. این امر نیز نیازمند تمرین در کلاس درس است که در شماره دوم و سوم بخش الف توضیح آن گذشت.

۲. سرفصل‌های کلی

می‌توان، سرفصل‌های این درس را بر اساس قرن و یا بر پایه‌ی ویژگی‌های تفسیری ممتاز، تعیین کرد. راه دیگر آن است که سرفصل‌ها بر محور معصومان علیهم‌السلام نوشته شود. با این روش می‌توان به تحلیل شیعی جریان‌های تاریخی و تفسیری کمک کرد. برای بررسی دوره‌ی غیبت هم می‌توان محور هر زمان را شیخ الاسلام شیعه، یا بزرگترین عالم شیعی هر دوره یا طبقه قرار داده و دیگران را پیرامون «محور»، تحلیل نمود.

بنابراین، مطالب اصلی درس - پس از گذراندن درآمد بحث - از «تلاش‌های تفسیری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله» آغاز شده و به تلاش‌های تفسیری «بقیة الله علیه‌السلام» ختم می‌گردد. سپس از کوشش‌های تفسیری بزرگان شیعی - مثلاً از شیخ کلینی - آغاز شده و تا امروز ادامه می‌یابد.

با این روش، محور تفسیر قرآن کریم، اهل بیت علیهم‌السلام خواهند بود و تاریخ تفسیر، بر گرد ایشان تحلیل خواهد شد. این شیوه، پنجره‌ای نو در تفسیر شیعی را باز کرده و اعتبارسنجی گزاره‌ها و جریان‌های تفسیری را در چشم‌انداز سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام می‌بیند.

معمولاً گمان می‌شود که اگر سرفصل‌هایی برای یک درس، مشخص شد، باید به همه‌ی جوانب آن پایند بوده، از تمام بخش‌های این سرفصل‌ها مطالبی گفته شود. نتیجه‌ی این گمان، بیان اطلاعاتی گسترده با عمق بسیار کم است. دانشجوی کارشناسی ارشد و یا دانش‌پژوه سطح سه‌هوزه، بیش از آن که به دنبال گستره‌ی آگاهی‌ها باشد، نیازمند روش و تحلیل است. او راه به دست‌آوردن اطلاعات از کتاب‌ها و سایت‌ها را می‌داند و یا در طول کلاس‌ها، می‌آموزد. آنچه وی به آسانی نمی‌تواند بیابد، روش تحلیل گذشته، حال و آینده‌ی تفسیر است. وی می‌خواهد مدل‌سازی درسی را یاد بگیرد و دست کم در یک مسأله، غور کند. سرفصل‌ها «پیشنهادی برای گزینش» است تا بزرگ‌راه را به استاد نشان دهد و او با بهره‌گیری از دانش و توانایی‌اش، دانشجو و دانش‌پژوه را به سوی هدف، هدایت کند. استاد، هرچند خود، به همه‌ی سرفصل‌ها مسلط است، اما می‌تواند یافتن اطلاعات را در قالب مطالعات پیشنهادی بر عهده‌ی دانش‌پژوه گذاشته و خود، تنها به ارائه‌ی آگاهی‌های ویژه که احتمالاً، دستیابی به آن از توان مخاطبانش خارج است، بپردازد. همچنین کار اصلی استاد، تنظیم داده‌ها و تحلیل آن بر پایه‌ی روش پیش‌گفته

است. شأن استادی فراتر از ارائه خرواری از اطلاعاتی موجود در اینترنت و کتاب‌های در دسترس می‌باشد.

پس از تعیین سرفصل‌های کلی یا محورهای بحث، اگر تشخیص داده شد که موضوعی دارای تأثیر بسیار بر تفسیر شیعی بوده و نیازمند بررسی مستقل است، جای آن در میانه بحث باز می‌شود. «تأثیر منع تحدیث بر تفسیر شیعه» و «اسرائیلیات تفسیری» این چنین است.

ج) نمونه

اکنون، به عنوان نمونه، دو سرفصل کلی، تجزیه شده و ریزعنوان‌های آن ارائه می‌گردد.

۱. دوره پیامبر صلی الله علیه و آله

۱/۱. وضعیت علمی و اجتماعی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله (ارتباط مردم با علم، فرهنگ اجتماعی، نگاه مخاطبان به کتاب‌های آسمانی پیشین، دیدگاه مردم درباره چگونگی شرح این کتاب‌ها و شارحان آن، جایگاه اهل کتاب، جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله، تأثیر طبیعی این وضعیت بر روش تفسیری پیامبر صلی الله علیه و آله و ...)

۲/۱. استفاده از آیات قرآن در سخنان (نمونه‌هایی از احتجاج پیامبر صلی الله علیه و آله به این سخنان، نمونه‌هایی از برداشت‌های تفسیری اهل بیت علیهم السلام از این روش، نمونه‌هایی از برداشت‌های تفسیری مردم از این روش)

۳/۱. استفاده از آیات قرآن در سیره عملی (برخورد با سنت‌های پیشین با استفاده از قرآن، سیره عبادی مستند به قرآن، سیره سیاسی و اجتماعی مستند به قرآن، سیره خانوادگی مستند به قرآن و ...)

۴/۱. تربیت شاگرد قرآنی (روش شاگردپروری قرآنی عام و خاص)

۵/۱. اعزام مبلغ قرآنی (شناخت مناطق اعزامی، توصیه‌ها به مبلغان)

۶/۱. شناخت شاگردان و مبلغان مبرز قرآنی پیامبر صلی الله علیه و آله (قبیله و ارتباطات، عقاید، جایگاه، فعالیت، قوت، ضعف، روش)

۷/۱. تلاش‌های تفسیری شاگردان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از ایشان (نگاشته‌ها، شفاهیات، ارتباط تفسیری با خاندان وحی، طریق روایات، نکات چشم‌گیر)

۸/۱. توصیه‌های تفسیری (قواعد تفسیری عرضه‌شده، توصیه به بهره‌گیری عمومی از قرآن، ارجاع به قرآن و ...)

۹/۱. تحلیل ویژگی‌های تفسیری عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (پیشینه اثرگذار بر تفسیر، تأثیرپذیری دوره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از عوامل پیشینی در حوزه تفسیر، روش برخورد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با این اثرات، روش پیشبرد تفسیری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، کارهای زیربنایی و روبنایی انجام‌شده در این دوره و ...)

۱۰/۱. میراث تفسیری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (نگاشته‌های منقول از ایشان در همان عصر و دوره‌های پسین، مشافهات منقول و طرق دستیابی به آن در منابع، سیر تاریخی این میراث تا امروز)

۱۱/۱. تأثیر منع تدوین حدیث بر تفسیر شیعه (بحث ویژه)

۲. دوره امام علی علیه‌السلام

۱/۲. وضعیت علمی و اجتماعی عصر امام علی علیه‌السلام (ارتباط مردم با علم، شکل‌گیری طبقه خواص علمی، جایگاه قرآن، دیدگاه مردم درباره تفسیر و مفسران قرآن، جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام، تأثیر طبیعی این وضعیت بر فعالیت‌های تفسیری دوره امام علیه‌السلام و ...)

۲/۲. ارتباط تفسیری امام علی علیه‌السلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (یادگیری قرآن در محضر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، ارجاع قرآنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به امام علی علیه‌السلام، بهره‌گیری امام علی علیه‌السلام از زیرساخت‌ها و روبناهای تفسیری ایجادشده توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ...)

۳/۲. بقیه عناوین، شبیه عناوین دوره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بازسازی می‌شود.

۴/۲. تفاوت دوران خلافت امام علیه‌السلام و پیش از آن در موضوع تفسیر (بحث ویژه)

۳. توضیح نمونه

برای حفظ شاکلهٔ تحلیلی بحث، در همهٔ عناوین، چرایی موضوع یعنی زمینه‌ها و ضرورت‌های آن بررسی می‌شود؛ همچنین تأثیر هر عامل، ذکر شده و آینده‌اش پیش‌بینی می‌شود. با اجرای این روش در دو واحد درسی، می‌توان دوران برخی از معصومان علیهم‌السلام و برخی از عالمان پسینی را به صورت نمونه تدریس کرد. از سوی دیگر در دانشجو و دانش‌پژوه، این توان‌مندی ایجاد می‌شود که خود، ادامهٔ مباحث را پیگیری کند. در برابر، روش ارایهٔ اطلاعات محض، هیچ‌گاه به دانشجو توان پیگیری تحلیلی نمی‌دهد. ممکن است گفته شود، دانشجو باید یک دوره اطلاعات تاریخ تفسیر را در اختیار داشته باشد و این، با تحلیلی‌بودن بحث با توجه به زمان کم، منافات دارد. در پاسخ باید گفت که همهٔ اطلاعات تاریخ تفسیر را نمی‌توان در دو واحد درسی بیان کرد؛ ولی می‌توان در کنار ارائهٔ بخشی از اطلاعات، راه کسب آگاهی‌های بیشتر را به مخاطب آموخت و وی را به این راه هدایت کرد. افزون بر آن که ارائهٔ اطلاعات محض، موجب خستگی و زدگی دانشجویان شده و جلو رشد و شکوفایی این مادهٔ درسی را می‌گیرد و راه آینده را نیز روشن نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

تاریخ تفسیر شیعه یکی از درس‌های مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه یا سطح سه حوزه است. ایجاد ارتباط میان این درس با مباحث حدیثی از آن روی اهمیت دارد که اهل بیت علیهم‌السلام مبین اصلی قرآن کریم بوده و تاریخ حدیث با تاریخ تفسیر، قربانی دیرینه دارد. ارتقای این مادهٔ درسی با تعمیق مباحث، تحلیلی‌کردن آن و توانمند نمودن دانش‌پژوهان در آینده‌پژوهی تفسیری، نیازمند طرحی با سنجش نیازهای روز است. جذاب‌سازی کلاس درس و در نظر گرفتن انگیزه و نشاط دانش‌پژوهان نیز با احساس نیاز آنان پیوند خورده و فعال کردن واقعی آنها در کلاس، نیازمند توجه به نیازهای علمی حقیقی آنهاست. طرح ارتقای مباحث تاریخ تحلیلی تفسیر شیعه، با در نظر گرفتن نیازهای دانش‌پژوهان، راه را برای دستیابی به اهداف سه‌گانه باز کرده و هرچند زحمت استادان را بیشتر می‌کند ولی نتیجه‌بخش بودن اقدامات آنان را به دنبال خواهد داشت. ان شاء الله.

پیشنهادها

۱. طراحی همهٔ سرفصل‌های درس تاریخ تحلیلی تفسیر شیعه با روش یادشده

۲. طراحى روشى براى درس تاريخ تحلىلى تفسير اهل سنت
۳. طراحى روشى براى درس تاريخ تحلىلى تفسير شيعه و اهل سنت به صورت تطبيقى

کتابنامه

۱. البيان فى تفسير القرآن، سيد ابو القاسم موسوى خويى، قم، دار الثقلين، هشتم، ۱۴۱۶ق.
۲. تهذيب الكمال، ابوالحجاج يوسف مزى، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت، مؤسسه الرساله، چهارم، ۱۴۰۶ق.
۳. روش تحليل سياسى، رمضان شعبانى سارويى، نمايندگى ولى فقيه در نسا، اول، ۱۳۸۱ش.
۴. روش‌هاى پژوهش در تاريخ، شارل ساماران و همكاران، ترجمه ابو القاسم بيگناه و غلامرضا ذات عليان و اقدس يغمايى، مشهد، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى آستان قدس رضوى، سوم، ۱۳۸۹ش.
۵. مهارت‌هاى آموزشى و پرورشى، حسن شعبانى، تهران، سمت، نوزدهم، ۱۳۸۴ش.
۶. الهداية القرآنية الى الولاية الامامية، سيد هاشم بحراني، تحقيق سيد فلاح شريفى و فارس حسون كريم و سيد مرتضى شبر، قم، ذوى القربى، اول، ۱۴۲۸ق.
۷. كتابچه بازمهندسى رشته علوم قرآن و حديث، مركز هماهنگى و توسعه پژوهش و آموزش عالى قرآنى کشور، ۱۳۹۳ش.
۸. كتابچه برنامه درسى رشته علوم قرآن و حديث، كميته تحوّل در مطالعات قرآن و حديث وزارت علوم، ۱۳۹۵ش.
۹. جزوه آشنايى با رشته علوم قرآن و حديث، جامعة المصطفى العالمية.
۱۰. جزوه رشته الهيات و معارف اسلامى گرايش قرآن و حديث، دانشگاه پیام نور.
۱۱. جزوه رشته تفسير قرآن مجيد، دانشگاه علوم و معارف قرآن كريم.
۱۲. جزوه سرفصل و عناوين دروس کارشناسى ارشد رشته علوم قرآن و حديث، دانشگاه آزاد اسلامى.
۱۳. جزوه مشخصات كلى برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسى ارشد علوم قرآنى در دو رشته تفسير قرآن مجيد و علوم قرآن، وزارت علوم، ۱۳۸۰ش.
۱۴. جزوه مشخصات كلى برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسى و کارشناسى ارشد علوم قرآن و حديث، وزارت علوم، ۱۳۷۹ش.

۱۵. جزوه مشخّصات کلی برنامه درسی و سرفصل دروس رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ش.
۱۶. مقاله نقد مبانی کلان در برنامه ریزی درسی رشته علوم قرآن و حدیث، علیرضا فخّاری، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۵، آذر و دی ۱۳۹۶.
۱۷. تارنمای جامعه القرآن الکریم و العلوم الاسلامیة، سودان، (تابستان ۱۳۹۰)، www.quran-unv.edu.sd.
۱۸. تارنمای کلیّة القرآن الکریم للقرائات و علومها، مصر، (تابستان ۱۳۹۰)، www.azhar.edu.eg/quranstudies.
۱۹. تارنمای جامعه القرآن الکریم و العلوم الاکادمیة، یمن، (تابستان ۱۳۹۰)، www.uqms.edu.ye.
۲۰. تارنمای الجامعة الاسلامیة، مدینة، (تابستان ۱۳۹۰)، www.iu.edu.sa.
۲۱. تارنمای کلیّة الدراسات القرآنیة جامعة بابل، (زمستان ۱۳۹۷)، www.quranic.uobabylon.edu.iq.
۲۲. تارنمای جامعة الاسمریة للعلوم الاسلامیة، لیبی، (تابستان ۱۳۹۰)، www.asmarya.edu.ly.
۲۳. تارنمای کلیّة الشّریعة و الدراسات الاسلامیة، قطر، (تابستان ۱۳۹۰)، www.qu.edu.qa.
۲۴. تارنمای جامعة الزّیتونة، تونس، (تابستان ۱۳۹۰)، www.uz.rnu.tn.
۲۵. تارنمای الجامعة الاسلامیة العالمیة، مالزی، (تابستان ۱۳۹۰)، www.iium.edu.my.
۲۶. تارنمای الجامعة الاسلامیة، غزه، (تابستان ۱۳۹۰)، www.iugaza.edu.ps.
۲۷. تارنمای جامعة الامیر عبد القادر للعلوم الاسلامیة، قسنطینیة، (زمستان ۱۳۹۷)، www.iugaza.edu.ps.